



وَ جَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ  
 الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا  
 عِبِيدِنَ ﴿٧٣﴾ وَ لَوْ طَآءَتِيْنُهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ  
 الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَاتِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ  
 فَسِيقِينَ ﴿٧٤﴾ وَ ادْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٧٥﴾  
 وَنوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ  
 مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾ وَ نَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ  
 كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ  
 ﴿٧٧﴾ وَ داوودَ وَ سُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ  
 فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَ كُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ ﴿٧٨﴾ فَفَهَّمْنَاهَا  
 سُلَيْمَانَ وَ كَلَّآءَاتِيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَ سَخَّرْنَا مَعَ  
 داوودَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَ الطَّيْرَ وَ كُنَّا فِعْلِينَ ﴿٧٩﴾ وَ عَلَّمْنَاهُ  
 صِنْعَةَ لُبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ  
 شَاكِرُونَ ﴿٨٠﴾ وَ لِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ  
 إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَرَكَنا فِيهَا وَ كُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عُلَمِينَ ﴿٨١﴾

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند، و به ایشان انجام کارهای نیک و برپایی نماز و پرداخت زکات را وحی کردیم و آنان پرستنده ما بودند. ﴿۷۳﴾  
و به لوط حکومت و دانش عطا کردیم و او را از دیاری که مردمش آن کارهای پلید [هم‌جنس بازی] را می‌کردند، رهایی بخشیدیم. به راستی آنان مردمانی منحرف و بد بودند. ﴿۷۴﴾

و او را در رحمت خود داخل کردیم، زیرا او از شایستگان بود. ﴿۷۵﴾  
و [ای پیامبر] نوح را یاد کن، آن‌گاه که پیش از این ما را ندا داد، ما هم دعای او را اجابت کردیم و وی و خاندانش [به جز همسر و یک پسرش] از آن اندوه بزرگ رهایی بخشیدیم. ﴿۷۶﴾

و او را بر مردمی که آیات ما را دروغ می‌انگاشتند، پیروز کردیم. آنان چون مردمانی فاسد و تبهکار بودند، همگی‌شان را غرق کردیم. ﴿۷۷﴾

و داود و [فرزندش] سلیمان را یاد کن، آن‌گاه که دربارهٔ حکم کشتزاری که شبانه گوسفندان مردم در آن چریده بودند، داوری می‌کردند و ما شاهد داوری آنان بودیم. ﴿۷۸﴾

پس ما حکم درست را به سلیمان تفهیم کردیم و ما هر دو را حکم و دانش عطا کردیم، و کوه‌ها و پرندگان را با داوود به نیایش واداشتیم و ما انجام دهنده [این کار] بودیم. ﴿۷۹﴾  
و به او فنّ زره‌سازی را که به سود شماست آموختیم، تا شما را از [خطرات] جنگتان حفظ کند. پس آیا شما سپاسگزار خواهید بود؟ ﴿۸۰﴾

و برای سلیمان تندباد را [رام ساختیم] که به فرمان او به سوی سرزمینی که در آن برکت نهاده بودیم روان می‌شد، و ما به هر چیزی داناییم. ﴿۸۱﴾

در درس قبل با شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی عصر ائمه اطهار علیهم‌السلام آشنا شدیم. در این درس می‌خواهیم بدانیم که: امامان بزرگوار ما علیهم‌السلام در آن شرایط سخت چگونه مسئولیت‌های مربوط به مرجعیت دینی و ولایت ظاهری را به انجام رساندند؟ اقدامات ایشان چه تأثیری در جامعه اسلامی داشت؟

امیرالمؤمنین علی علیه السلام وقتی رفتار مسلمانان روزگار خود را مشاهده می کرد، با روشن بینی و درک عمیقی که از نتیجه رفتارها و وقایع داشت، سرنوشت و آینده نابسامان جامعه اسلامی را پیش بینی می کرد و در زمان های مختلف و در سخنرانی های متعدد، مسلمانان را نسبت به عاقبت رفتارشان بیم می داد.<sup>۱</sup> آن امام در یکی از سخنرانی ها، خطاب به مردم فرمود:

«به زودی پس از من، زمانی فرا می رسد که در آن زمان، چیزی پوشیده تر از حق و آشکارتر از باطل و رایج تر از دروغ بر خدا و پیامبرش نباشد. نزد مردم آن زمان، کلاهی کم بهاتر از قرآن نیست، وقتی که بخواهد به درستی خوانده شود و کلاهی رایج تر و فراوان تر از آن نیست، آنگاه که بخواهند به صورت وارونه و به نفع دنیا طلبان معنایش کنند. در آن ایام، در شهرها، چیزی ناشناخته تر از معروف و خیر و شناخته شده تر از منکر و گناه نیست.»

امام پس از بیان اوضاع و احوال پس از خود و آگاه کردن مردم و هشدار به آنها فرمود:

«در آن شرایط، در صورتی می توانید راه رستگاری را تشخیص دهید که ابتدا پشت کنندگان به صراط مستقیم را شناسایی کنید و وقتی می توانید به عهد خود با قرآن وفادار بمانید که پیمان شکنان را تشخیص دهید؛ و آن گاه می توانید پیرو قرآن باشید که فراموش کنندگان قرآن را بشناسید.»

آن گاه امیرمؤمنان، راه حل نهایی را بیان می کند و می فرماید:

«پس همه آنها را از اهلس طلب کنید. آنان اند که نظر دادن و حکم کردنشان، نشان دهنده دانش آنهاست، آنان هرگز با دین مخالفت نمی کنند و در دین اختلاف ندارند».<sup>۲،۳</sup>

### تفکر در حدیث

۱- با تأمل در سخنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام، سه مورد از نشانه های بازگشت مسلمانان به دوره جاهلیت را بیان کنید.

..... (الف)

..... (ب)

..... (ج)

۲- برای نجات از گمراهی و تشخیص راه حق، امیرالمؤمنین علیه السلام چه پیشنهادی به مردم می دهد؟

.....

۳- فکر می کنید مصداق پیشنهاد امام علی علیه السلام چه کسانی اند؟

.....

۱- برخی از این سخنرانی ها در نهج البلاغه، از جمله در خطبه های ۹۸، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۸ و ۱۶۷ آمده است.

۲- نهج البلاغه، قسمت هایی از خطبه ۱۴۷.

۳- حفظ کردن عین سخنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام ضروری نیست. فقط می توان سوالاتی مشابه با فعالیت «تفکر در حدیث»، از این

سخنان طراحی کرد.

همان طور که در درس قبل خواندیم، به علت عدم توجه مسلمانان به هشدارهای امیرالمؤمنین علی علیه السلام، آنچه آن امام پیش بینی می کرد، به وقوع پیوست؛ بنی امیه بر مردم حاکم شدند و دنیای اسلام را تا حد زیادی به دوران جاهلیت بازگرداندند. با وجود این شرایط سخت و بحرانی، ائمه اطهار علیهم السلام از پائین نشستن و به شکل های گوناگون با این حاکمان مبارزه کردند و در مقابل تفسیرهای غلط از اسلام و تحریف دین، آموزه های قرآن و سخنان واقعی پیامبر را در اختیار جامعه قرار دادند. تلاش و مجاهدت امامان را می توان در قالب مسئولیت های دوگانه مقام امامت بررسی کرد:

## الف) اقدامات مربوط به مرجعیت دینی

**۱- تعلیم و تفسیر قرآن کریم:** در حالی که حاکمان زمان به افراد فاقد صلاحیت میدان می دادند تا قرآن را مطابق با اندیشه های باطل خود تفسیر کنند، امامان بزرگوار در هر فرصتی که به دست می آوردند، معارف این کتاب آسمانی را بیان می کردند و رهنمودهای آن را آشکار می ساختند. در نتیجه این اقدام، مشتاقان معارف قرآنی توانستند از این کتاب الهی بهره ببرند.

### بیشتر بدانیم

نمونه های فراوانی از تفسیرهای ناروای افراد فاقد صلاحیت و اقدامات روشنگرانه ائمه اطهار علیهم السلام در تاریخ نقل شده است که به یک مورد، اشاره می کنیم:

در زمان برخی از ائمه اطهار علیهم السلام گروهی پیدا شدند که گمان می کردند خداوند جسم دارد. آنان برای اثبات اندیشه خود از بعضی عبارات قرآن نظیر «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ: دست خداوند بالای دست هایشان است»<sup>۱</sup> کمک می گرفتند.

امامان بزرگوار توضیح می دادند که آیات قرآن را با آیه های دیگر باید تفسیر کرد. قرآن کریم می فرماید: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ: هیچ چیزی مانند او [خدا] نیست»<sup>۲</sup>؛ پس، نمی توان دستی مانند دست انسان ها برای خدا تصور کرد. در عربی «ید»، علاوه بر دست، به معنای «قدرت» هم به کار می رود. بنابراین، تفسیر آیه این است که قدرت خداوند از همه قدرت ها برتر است.

**۲- حفظ سخنان و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم:** در درس قبل دیدیم که بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، نوشتن سخنان ایشان ممنوع شد و این ممنوعیت آثار زیان باری برای مسلمانان داشت. البته امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام به این ممنوعیت توجه نکردند و سخنان پیامبر را به فرزندان و یاران خود آموختند و از آنان خواستند که این آموخته ها را به نسل های بعد منتقل کنند.

۱- سوره فتح، آیه ۱۰.

۲- سوره شوری، آیه ۱۱.



## حدیث زنجیره طلایی

هنگامی که امام رضا علیه السلام به اجبار مأمون، از مدینه به مرو، پایتخت حکومت این خلیفه عباسی می‌رفت، در مسیر حرکت خود به نیشابور رسید. هزاران نفر از مردم به استقبال ایشان آمده بودند و گروه زیادی از آنان، قلم‌هایشان را آماده کرده بودند تا هرچه امام می‌گوید، بنویسند و برای خود و آیندگان نگه دارند. وقتی امام در جمع مردم قرار گرفت، به امام علیه السلام اصرار کردند تا برایشان سخن بگوید. امام به آنان فرمود:

«من از پدرم، امام کاظم علیه السلام شنیدم و ایشان از پدرش، امام صادق علیه السلام و ایشان از پدرش، امام باقر علیه السلام و ایشان از پدرش، امام سجاد علیه السلام و ایشان از پدرش، امام حسین علیه السلام و ایشان از پدرش، امام علی علیه السلام و ایشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: خداوند می‌فرماید:

كَلِمَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي؛

کلمه لا اله الا الله قلعه محکم من است، هرکس به این قلعه محکم من وارد شود، از عذاب من در امان است».

پس از اندکی درنگ، امام علیه السلام فرمود:

بِشُرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا؛ اما به شرط‌های آن، و من از جمله شرط‌های آن هستم.<sup>۱</sup>  
مقصود امام علیه السلام این بود که توحید تنها یک لفظ و شعار نیست، بلکه باید در زندگی اجتماعی ظاهر شود و تجلی توحید در زندگی اجتماعی با ولایت امام که همان ولایت خداست، میسر می‌شود. شیوه بیان امام علیه السلام در نقل این حدیث نشان می‌دهد که چگونه احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله، از امامی به امام دیگر منتقل می‌شده است. این حدیث، به جهت توالی و پشت سرهم آمدن اسامی پیشوایان معصوم در آن، به حدیث سلسله الذهب (یعنی زنجیره طلایی) مشهور است.

### ۳- تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو: با گسترش سرزمین‌های اسلامی، سؤال‌های

مختلفی در زمینه‌های احکام، اخلاق، افکار و نظام کشورداری پدید آمد. ائمه اطهار علیهم السلام با اینکه با حاکمان زمان خود مخالف بودند، اما به دور از انزوا و گوشه‌گیری و با حضور سازنده و فعال، با تکیه بر علم الهی خود، درباره همه این مسائل اظهار نظر می‌کردند و مسلمانان را از معارف خود بهره‌مند می‌ساختند. ثمره این حضور سازنده، فراهم آمدن کتاب‌های بزرگ در حدیث و سیره ائمه اطهار علیهم السلام در کنار سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن کریم است. در میان این کتاب‌ها می‌توان از کتاب «نهج البلاغه» از سخنان حضرت علی علیه السلام و کتاب «صحیفه سجادیه» از دعا‌های امام سجاد علیه السلام، نام برد.

## قانون بازنشستگی

حکومت اسلامی در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام توسعه پیدا کرده بود و این مسئله موجب پدید آمدن شغل‌های زیادی در جامعه شده بود؛ در نتیجه روابط اقتصادی تغییر زیادی کرده و جامعه نیازمند قوانین جدیدی بود که متناسب با شرایط جدید باشد.

به عنوان نمونه، روزی امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حال گذر از کوچه پس کوچه‌های کوفه بود که نگاهش به پیرمردی افتاد که در گوشه‌ای نشسته و دست نیاز به سوی مردم بلند کرده است.

امام پرسید: این مرد کیست و چرا گدایی می‌کند؟ حاضران با بی‌اعتنایی گفتند: مسیحی است! امام علیه السلام فرمود: «تا وقتی توانایی داشت، از او کار کشیدید و اکنون که پیر شده و قدرت کار کردن ندارد او را به حال خود وا گذاشته‌اید؟! برعهده حکومت است که تازه است، هزینه او را برعهده بگیرد. بروید از بیت‌المال به او مستمری بدهید»<sup>۱</sup>.

بدین ترتیب، امیرالمؤمنین علیه السلام «قانون بازنشستگی» را به عنوان یک وظیفه اسلامی پیشنهاد کرد و خودش هم به اجرا درآورد.

### \*\*\*

به هر ترتیب، تلاش ائمه علیهم السلام سبب شد که حقیقت اسلام برای جویندگان حقیقت پوشیده نماند و کسانی که طالب حقیقت‌اند بتوانند در میان انبوه تحریفات به تعلیمات اصیل اسلام دست یابند و راه حق را از باطل تشخیص دهند.

## بررسی

در درس قبل با شرایط و مشکلات اجتماعی عصر ائمه علیهم السلام آشنا شدیم. اکنون توضیح دهید که اقدام این بزرگواران، پاسخ‌گوی کدام یک از مشکلات آن دوره بوده است؟

## ب) مجاهده در راستای ولایت ظاهری

امامان بزرگوار، به دو علت با حاکمان زمان خود مبارزه می‌کردند:

اول، آنکه رهبری و اداره جامعه از جانب خداوند به آنان سپرده شده و لازم بود برای انجام دادن این وظیفه به پا خیزند و در صورت وجود شرایط و امکانات، حاکمان غاصب را برکنار کنند تا با تشکیل حکومتی بر مبنای اسلام راستین، قوانین دین را به اجرا درآورند و عدالت را برقرار سازند.

دوم، آنکه این حاکمان غاصب، قوانین اسلام را زیر پا می‌گذاشتند و به مردم ستم می‌کردند؛ امامان

۱- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۵، ص ۶۶.



نیز وظیفه داشتند که براساس اصل امر به معروف و نهی از منکر با آنان مقابله کنند و مانع زیر پا گذاشتن قوانین اسلام شوند و از حقوق مردم دفاع نمایند.

## اصول کلی امامان در مبارزه با حاکمان

امامان در مبارزه‌ای که با حاکمان جور داشتند، از اصولی پیروی می‌کردند که در اینجا برخی از آنها را بیان می‌کنیم:

**۱- عدم تأیید حاکمان:** امامان، هیچ‌یک از حاکمان غاصب عصر خویش را به عنوان جانشین رسول خدا ﷺ تأیید نمی‌کردند و این موضوع را به شیوه‌های مختلف به مردم اطلاع می‌دادند. آنان اگرچه تفاوت‌های اخلاقی و رفتاری حاکمان را در نظر می‌گرفتند و اگر حاکمی در موردی بر طبق دستور اسلام عمل می‌کرد، آن مورد را تأیید می‌کردند، اما در غصب خلافت و جانشینی رسول خدا ﷺ همه را یکسان می‌دیدند.

**۲- معرفی خویش به عنوان امام بر حق:** آن بزرگواران، همواره خود را به عنوان امام و جانشین بر حق پیامبر اکرم ﷺ معرفی می‌کردند؛ به گونه‌ای که مردم بدانند تنها آنها جانشینان رسول خدا و امامان بر حق جامعه‌اند.

به طور مثال، امام صادق علیه السلام در روز عرفه و در مراسم حج که جمعیت زیادی از مسلمانان از سراسر سرزمین‌های اسلامی حضور داشتند، در میان انبوه جمعیت، حق حکومت را از آن خود اعلام نمودند و فرمودند: «ای مردم! رسول خدا ﷺ امام و رهبر بود، پس از او علی علیه السلام و سپس حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی علیهم السلام به ترتیب امام بودند و اکنون من امام هستم».<sup>۱</sup>

**۳- انتخاب شیوه‌های درست مبارزه:** امامان، شیوه مبارزه با حاکمان را متناسب با شرایط زمان برمی‌گزیدند؛ به گونه‌ای که هم تفکر اسلام راستین باقی بماند، هم به تدریج، بنای ظلم و جور بنی امیه و بنی عباس سست شود و هم روش زندگی امامان علیهم السلام، به نسل‌های آینده معرفی گردد.

رفتار ائمه اطهار علیهم السلام در طول ۲۵۰ سال بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله تا امامت امام عصر علیه السلام و غیبت ایشان، چنان مکمل یکدیگر است که گویی یک شخص می‌خواهد برای رسیدن به یک مقصد مسیری را بییماید، ولی مسیر یک دست نیست؛ گاهی هموار است و گاهی ناهموار، گاهی لغزنده و خطرناک است و گاهی دشوار! ولی همه این جاده با همه این اختلاف‌ها به یک هدف ختم می‌شود، به گونه‌ای که گویی یک انسان است که ۲۵۰ سال زندگی کرده است و در شرایط مختلف سیاسی و فرهنگی روش‌های مناسب را برگزیده و عمل کرده است.<sup>۲</sup>

۱- اصول کافی، کلینی، ج ۴، ص ۴۶۶.

۲- برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به کتاب انسان ۲۵۰ ساله، حضرت آیت الله خامنه‌ای.

سیره و روش امام حسن علیه السلام در صلح با معاویه و سیره و روش امام حسین علیه السلام در قیام علیه یزید را با یکدیگر مقایسه کنید و بگویید :

به نظر شما اگر امام حسن علیه السلام در زمان حکومت یزید زندگی می کرد، با یزید بیعت می کرد؟ چرا؟

البته خشونت و ستمگری حاکمان بنی امیه و بنی عباس در بیشتر این سالها به گونه ای بود که اگر کسانی به عنوان پیرو و شیعه امامان شناخته می شدند به سختی آزار و اذیت می شدند و در بسیاری مواقع به شهادت می رسیدند. از این رو، ائمه اطهار علیهم السلام می کوشیدند آن بخش از اقدامات و مبارزات خود را که دشمن به آن حساسیت دارد، در قالب «تقیه» پیش ببرند؛ یعنی اقدامات خود را مخفی نگه دارند، به گونه ای که در عین ضربه زدن به دشمن، کمتر ضربه بخورند. از جمله این موارد، ارتباط میان امامان و یاران آنها در نقاط مختلف سرزمین اسلامی بود. امامان ما با مخفی نگه داشتن این ارتباطها نمی گذاشتند حاکمان بنی امیه و بنی عباس، یاران صمیمی و قابل اعتماد و فداکار آنان را شناسایی کنند و به شهادت برسانند.

علی بن یقظین از اصحاب امام کاظم علیه السلام بود. وی دوره نوجوانی و جوانی خود را در عصر امام صادق علیه السلام گذراند و در دوره امام کاظم علیه السلام از یاران صمیمی آن حضرت شد.

با سقوط حکومت اموی و تشکیل حکومت عباسی، علی بن یقظین به حکومت عباسیان راه یافت و از کارگزاران حکومت عباسی شد. با توجه به اوضاع سخت شیعیان در دوره امام کاظم علیه السلام که ناشی از ستمگری های «هارون» بود، امام به علی بن یقظین دستور داد، تلاش کند که در دربار هارون موقعیت بهتری پیدا کند، تا شاید بتواند کمکی به یاران امام کاظم علیه السلام بکند و از سختی های آنها بکاهد و به نهضت سری امام کمک کند.

از همین جهت، وی توانست یکی از مشاوران نزدیک هارون و از افراد مورد اعتماد وی شود. در تمام مدتی که عهده دار این سمت بود، بدون اینکه هارون از شیعه بودنش مطلع شود، پناهگاهی مطمئن برای شیعیان بود و به روش های غیرمستقیم، مانع تضعیف مالی شیعیان و غارت اموال آنها توسط هارون و دستگاه حکومتی وی می شد.

پسر علی بن یقظین می گوید: امام کاظم علیه السلام هر چیزی لازم داشت و هر کار مهمی که پیش می آمد، به پدرم نامه می نوشت تا آن کار را انجام دهد. گاهی هم که کارهای مهم و حساسی پیش می آمد، به پدرم می فرمود که این کار را با همکاری هشام بن حکم انجام دهد.

چندبار علی بن یقطين از سختی این مسئولیت نزد امام کاظم علیه السلام شکایت کرد. امام به وی فرمود: خداوند، مردان محبوبی در میان ستمگران دارد که به وسیله آنان، از بندگان خوب خود حمایت می کند و تو از آن مردان محبوب خدایی.

یکی از اقدامات علی بن یقطين شرکت دادن اصحاب و یاران امام کاظم علیه السلام در مراسم حج بود. وی تعدادی از اصحاب را به حج می فرستاد و مخفیانه هزینه آنان را تأمین می کرد. این اصحاب به حج می رفتند و در گفت و گوها و مناظره ها شرکت می کردند و به ترویج فرهنگ شیعی می پرداختند.<sup>۱</sup>

اکنون، ما پیرو و شیعه امامانی هستیم که جان و همه زندگی خود را برای نجات و رستگاری انسان ها، فدا کردند و به پیشگاه الهی رفتند. البته آنان هم اکنون ناظر بر ما هستند و به پیروان خود می نگرند تا ببینند آنان چه می کنند. پس وظیفه ما این است که به گونه ای زندگی کنیم که سبب بدبینی دیگران نسبت به شیعیان نشویم و بدانیم که شیعه بودن تنها به اسم نیست؛ بلکه اسم باید با عمل صالح همراه باشد تا پیرو حقیقی آنان شویم. امام صادق علیه السلام خطاب به شیعیان خود فرمودند:

«مایه زینت ما باشید، نه مایه زشتی ما».<sup>۲</sup>

### برنامه ریزی

ائمه اطهار علیهم السلام از ما شیعیان خواسته اند به گونه ای زندگی کنیم که مایه زیبایی آنان باشیم؛ بگویید با چه برنامه ها و اقداماتی می توانیم به این هدف برسیم؟ و چه کارهایی ما را از این مسیر دور می کند؟

۱- .....

۲- .....

۳- .....

### دانش تکمیلی

برای آشنایی با برخی از روش های مبارزه امامان، به سایت گروه قرآن و معارف، بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

۱- سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ص ۴۴۹.

۲- وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، ج ۱۲، ص ۸.

## محبت با معرفت

در عشق و محبت به اهل بیت علیهم السلام توجه به موارد زیر ضروری است :

۱- این محبت و دوستی را با معرفت و شناخت عمیق نسبت به آنان همراه کنیم. محبت‌های آمیخته با جهل، همواره خطرناک است و در بسیاری از موارد به رفتارهایی منجر می‌شود که خدای متعال و پیشوایان دین از آنها بیزارند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید :

«دو تن در رابطه با من هلاک شدند: دوستی که (در دوستی‌اش) زیاده‌روی می‌کند (و مرا از مرتبه ولایت و امامت بالاتر می‌برد) و دشمنی که در دشمنی با من پای می‌فشرد»<sup>۱</sup>.

۲- سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نشان می‌دهد که آنان با ادعای محبت بدون معرفت و بدون عمل، مبارزه کرده و پیروان خود را از آن منع کرده‌اند. بنابراین، میزان نزدیکی هرکس به آنان به مقدار محبت همراه با معرفت و عمل است.

یکی از یاران امام صادق علیه السلام می‌گوید: روزی به دیدار امام رفتم. ایشان به من فرمود:

«سلام ما را به دوستانمان برسان و به آنان اعلام کن پاداش الهی را جز با عمل و ولایت ما را جز با خویشتن‌داری به دست نمی‌آورند»<sup>۲</sup>.

۳- محتوای مراسم جشن یا سوگواری اهل بیت علیهم السلام، از قبیل اشعار، سرودها و مداحی‌ها باید به گونه‌ای انتخاب شود که بیانگر محبت همراه با معرفت و سازگار با احکام شرعی باشد. اشعار و عبارات سطحی و پیش‌پا افتاده و انجام حرکات نسنجیده به بهانه شادی یا سوگواری، موجب رنجش آن بزرگواران می‌شود.

توجهیاتی از قبیل «در هنگام ابراز محبت، آداب را باید کنار گذاشت»، «اهل بیت علیهم السلام انسان‌هایی بزرگوارند و از خطای ما می‌گذرند» و... هیچ‌کدام در درگاه الهی و پیشگاه اهل بیت علیهم السلام پذیرفته نیست. این مراسم باید تجلی‌گاه عفاف و حجاب، عفت در کلام، انجام به موقع واجبات دینی مانند نماز، کمک به هموعان، دوری از اسراف و تبذیر، رعایت حقوق همسایگان، دوری از رقابت‌ها و حسادت‌ها و در یک کلام، باید تجلی‌گاه معرفت ائمه علیهم السلام باشد.

از این رو باید مطمئن باشیم که برنامه‌ها و کارهای ما در مراسم دینی، موافق احکام الهی است. در مواردی که برای ما مشکوک است، به عالمان دین در شهر و دیار خود مراجعه کنیم و نظر آنان را جویا شویم تا با اطمینان خاطر، آن اعمال را انجام دهیم.

۱- نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، حکمت ۱۱۷.

۲- الشیعه فی احادیث الفرقین، سید مرتضی موحد ابطحی، ص ۳۵۴.

